



دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۵۹



اول ماه مه چگونه بوجود آمد؟

روز اول ماه مه در جریان مبارزه کارگران آمریکا برای تسکین روزگار ساخته شکل گرفت. تا قبل از آن کارگران آمریکا در بدترین شرایط کار روزانه بین ۱۲ تا ۱۴ ساعت در کارخانه ها کار میکردند.

برای اولین بار کارگران استرالیا در ۲۱ آوریل ۱۸۵۶ دست از کار کشیدند و برای یک روز تعطیل عمومی کار و ساعت کار در روز به نظاهرات پرداختند. موفقیت این حسن و تکرار آن در سالهای بعد و به ویژه پیوند آن با جنبش بین الملل کمونیستی موجب رسوخ ایده آن در میان توده کارگران جهان گشت.

تحت فشار مبارزات کارگران در سال ۱۸۶۸ کنگره آمریکا قانون ۸ ساعت کار را تصویب نمود. اما هرگز سرمایه داران تن به اجرای این قانون ندادند و سالها بعد در سال ۱۸۷۶ بوسیله دولت بکلی ملغی گشت. ولی مبارزه کارگران برای بدست آوردن خواست قانونی ادامه یافت و شمار ساعت کار روزانه هر روز کارگران بیشتری را حول خود متشکل نمود.

روز اول ماه مه در جریان مبارزه کارگران آمریکا برای تسکین روزگار ساخته شکل گرفت. تا قبل از آن کارگران آمریکا در بدترین شرایط کار روزانه بین ۱۲ تا ۱۴ ساعت در کارخانه ها کار میکردند.

برای اولین بار کارگران استرالیا در ۲۱ آوریل ۱۸۵۶ دست از کار کشیدند و برای یک روز تعطیل عمومی کار و ساعت کار در روز به نظاهرات پرداختند. موفقیت این حسن و تکرار آن در سالهای بعد و به ویژه پیوند آن با جنبش بین الملل کمونیستی موجب رسوخ ایده آن در میان توده کارگران جهان گشت.

تحت فشار مبارزات کارگران در سال ۱۸۶۸ کنگره آمریکا قانون ۸ ساعت کار را تصویب نمود. اما هرگز سرمایه داران تن به اجرای این قانون ندادند و سالها بعد در سال ۱۸۷۶ بوسیله دولت بکلی ملغی گشت. ولی مبارزه کارگران برای بدست آوردن خواست قانونی ادامه یافت و شمار ساعت کار روزانه هر روز کارگران بیشتری را حول خود متشکل نمود.

علل پیدایش، نقش و تأثیر اول ماه مه در جنبش کارگری

علت پیدایش و تداوم و اهمیتی که این روز بزرگ در عرصه جهانی یافته را می باید در خصلت پرولتاریا بعنوان یک طبقه جهانی بعنوان طبقه ای که رهائی اش نه در محدوده مرزها بلکه در رهائی پرولتاریای جهان است، جستجو کرد.

از آنجا که طبقه کارگر در جریان تولید خود را نه یک فرد بلکه جزئی از یک کل، در پیوندی عمیق و ارگانیک می باید و از آنجا که در جریان مبارزه سرعت می آموزد که بیروزی و رهائیش تنها در گرو اتحاد و تشکیل است و نجاش در نهایت فقط بیاری همزنجیرانش میسر است و در این بروسه به تدریج تنگ نظر بیهی ناسیو- نالیستی را از دست میدهد (جرا که دشمن را نه در محدوده ای ملی بلکه خانواده ای جهانی می یابد و بناچار به همسرنوشتی طبقاتی خود در سطح جهان پی میرسد). اعلام همستگی با پرولتاریای جهان و

اعلان جنگ به سرمایه داری جهانی در یک روز، در ذهن او و بیروانش و در حرکت مبارزاتی اش جایگاه مهمی دارد و از این رو است که اول ماه مه در جریان مبارزات کارگران آمریکا برای ۸ ساعت کار روزانه، پدید آمد، اما تاریخ آن بتاریخ خون آلود جدال کار و سرمایه بدل گشت. و در طی سالها، به همراه خود بیام های بسیاری را داشته که رشته سرخ همه آنها، بقیه در صفحه ۳ ضمیمه

اهمیت و نقش و اثره اول ماه مه

براستی اهمیت و نقش ویژه اول ماه مه را باید در کجا جست؟ چرا اول ماه مه روز بزرگ همستگی پرولتاریاست و به چه دلیل است روز همچون رشته سرخی مبارزات پرولتاریا را در صد سال گذشته به هم پیوند زده است؟ بدون شک اهمیت این روز صرفاً در کشتار کارگران قهرمان شکاگو و در طرح خواست روز کار ۸ ساعته یا خواست های صنفی دیگر نیست. بلکه معادلی گسترده تر و کیفیتی متفاوت از حوادث و خواسته های مذکور دارد. چرا که کشتار کارگران و مبارزات صنفی آنان در درون نظام سرمایه داری یک حادثه خاص و استثنائی در تاریخ جامعه سرمایه داری محسوب نمیشود. از حد و تولد این نظام کارگران سراسر جهان برای کاهش شدت استثمار دست مبارزه علیه

نظام سرمایه داری زده اند و در این راه قربانیان زیادی داده اند. بنا بر این اهمیت ویژه این روز را صرفاً در ارتباط با حرکات خود بخودی و مبارزات اقتصادی طبقه کارگر نمیتوان جست. قائل شدن روز به خصوصی برای مبارزات خود بخودی کارگران برای بهبود شرایط زندگی خود در داخل نظم سرمایه داری بقیه در صفحه ۷ ضمیمه

اول ماه مه در ایران

طبقه کارگر ایران از بدو تولد خود تاکنون مانند کارگران دیگر کشورها، همواره در برابر سرمایه داران و دولت های حامی آنان به دفاع از منافع طبقاتی خود پرداخته است. در سالهایی که جنبش مشروطه خواهی در ایران در جریان بود، کارگران مهاجر ایرانی که در معادن و کارخانجات فقشار بکار اشتغال داشتند، سهم زیادی در آنها نمودند. کارگران ایران با جنبش کارگری روسیه و مبارزات کارگران در سراسر جهان ایفا نمودند.

بیروزی انقلاب کبیر اکثر در روسیه و استقرار حاکمیت رومنکنان در آن کشور تا نبرات فرهنگی چشمگیری بر جنبش کارگری ایران نهاد و جان تازه ای در کالبد آن دمید.

کارگران ایرانی که روز بروز به نفس اجتماعی و موقعیت خود در جامعه بیشتری می بردند، در جریان آشنائی وسیع - تر با فرهنگ طبقه کارگر و انترناسیونالیسم کارگری دست به مبارزات داسه دارتر و متشکل تری زدند.

«عالمینهای سدیگائی و تشکیل برای حفظ حقوق صنفی، مبارزات کارگران ایران را وارد مرحله نویسی نمود. آنها در سال ۱۳۹۷ شورای اتحادیه های کارگری را تشکیل دادند و در سال ۱۳۰۰، یک دفتر مرکزی جهت رهبری جنبش اتحادیه های

تشکیل گردید و اتحادیه های ایران در بین الملل اتحادیه ها (بروفیتون) پذیرفته شد. در ادامه همین تلاشها و مبارزات بود که سرگزاری مراسم اول ماه مه بعنوان مظهر همستگی کارگران ایران با پرولتاریای جهانی تدریج در میان کارگران ایران بهمنامه، یک سنت مقدس و عزیز مطرح گردید.

نخستین جشن اول ماه مه در ایران در سال ۱۳۰۱ (۱۹۲۰ میلادی) برگزار گردید. این جشن در شهرهای شمالی کشور رومانی برگزار گردید که قلب جنبش انقلابی رهائی بخش سپهس مان هور در کیلان از طیش باز نایستاده بود و به منامه، یک کانون تداوم جنبش انقلاب، انقلابیون و رومنحت بقیه در صفحه ۸ ضمیمه

نگاهی به جنبش کارگری در یک سال اخیر در صفحه ۴

سببه از صفحه اول ضمیمه کارگران برای اعتراض دست به تظاهرات زدند و پلیس وحشیانه به صفوف کارگران آتش گشود که ۴ کشته و دهها زخمی بها گذاشت. روز بعد کارگران برای اعتراض باین کشتار وحشیانه دست از کار کشیدند و در یکی از مسیذانهای شیکاگو اجتماع نمودند. ناگهان بر اثر نوطه سرمایه داران، بمبی در صف پلیس منفجر گشت و موجب کشته شدن یک پلیس و زخمی شدن ۵ تن از آنان گردید. پلیس این موضوع را دستاویز قرار داده و شروع به تیراندازی بصوف کارگران نمود. در این حمله دهها تن از کارگران کشته و صدها تن زخمی شده و ۸۵ تن از رهبران کارگران دستگیر گشتند. وطنی یک محاکمه تقابلی محکوم به اعدام گردیدند و حکم در مورد ۴ تن از آنان با اجرا درآمد.

رهبران کارگران در دادگاه به دفاعی قهرمانانه از طبقه کارگر و حملهای شجاعانه به نظام سرمایه داری پرداختند. "آشیتس" یکی

اول ماه مه چگونه بوجود آمد؟

از کارگران دستگیر شده خطاب به دادگاه گفت "اگر شما تصور می کنید که ما دار زدن ما میتوانیم جنبش کارگران را که میلیونها نفر زحمتکش فقیر و ستمدیده نجات خود را در آن می بینند از بین ببرید مرا دار برنید ولی مطمئن باشید که با کشتن ما فقط حرفهای راجاوتی میکنید، شعله های عظیم جنبش کارگری را هیچگاه نمیتوانید خاموش کنید" و "لینک" کارگر ۲۱ ساله گفت "من دشمن نظام پالمانه سرمایه داری ام و تا زنده ام با تمام قدرت علیه آن خواهم جنگید حال مرا به خاطر این موضوع دار بزنید" و "پارسنز" کارگر فداکار که خود را بدادگاه معرفی کرده بود نادرستان خود را تنهارها نکرده باشد بعد از محکوم شدن به اعدام گفت "عالی - جنابان در موقع مخاطب قراردادن این دادگاه من بعنوان نماینده یک طبقه در مقابل نماینده طبقه دیگر

صحبت میکنم. این دادگاه سرمایه داران بود که کارگران و بشروان آنان را به محاکمه کشیده بود و حکم این دادگاه چیزی جز مرگ نمیتوانست باشد". "پارسنز قبل از اعدام سرود "حرکت بسوی آزادی" را خواند و در آخرین لحظات فریاد زد "صدای ملت را نمیتوان خفه کرد!"

چند سال بعد در یک دادگاه جهانی که بدعوت کارگران تشکیل شد، بی گناهی کارگران اعدام شده ثابت شد.

این واقعه موجب خشم و نفرت کارگران جهان شد و تظاهرات عظیمی علیه این اقدام ضد کارگری در فرانسه، آلمان، اسپانیا، ایتالیا، هلند و... صورت گرفت.

در سال ۱۸۸۸ "فدراسیون کار" امریکا پیشنهاد نمود که هر سال روز اول ماه مه تظاهراتی برای بزرگداشت قهرمانان شیکاگو و خواست

۸ ساعت کار در روز صورت گیرد و تصمیم گرفت که در اول ماه مه ۱۸۹۰ به این منظور تظاهراتی سراسری در آمریکا برگزار کند.

در این فاصله، در سال ۱۸۸۹ در صدمین سالگرد انقلاب کمپروانسه، کنگره موسس انترناسیونال دوم، مشکلات نمایندگان کارگران جهان، روز اول ماه مه هر سال را روز همبستگی کارگران جهان و تظاهرات برای ۸ ساعت کار روزانه اعلام نمود. در سال ۱۸۹۰ اولین سالی که این مراسم جهانی برگزار گردید، در کشورهای مختلف با خشونت سرمایه داران و پلیس روبرو گشت. در یکی از شهرهای شمال فرانسه، پلیس صف دختران برگزار کننده جشن را به گلوله بست و ۲ شهید بها گذاشت. در پاریس ۱۰ کارگر مبارز در جریان درگیری با پلیس شهید شدند. در آلمان پلیس قبل از اول ماه مه به شیوه نوطه گرانه همینگی اش

به دستگیری رهبران جنبش کارگری پرداخت تا توان انقلابی آنرا تضعیف کند ولی مراسم با موفقیت انجام شد و تظاهرات تا ۱۵ ماه مه ادامه داشت.

در ایتالیا کار به درگیری بین پلیس و کارگران کشید و در اطریش کارگران بسیاری از کارخانجات را تعطیل کردند. و سرانجام در انگلستان روز اول ماه مه فدریک انگلس که در آن زمان ۷۰ سال داشت در بنیابیش راه پیمائی اعتراضی آمیز کارگران شرکت می کند.

انگلس در همان زمان در مورد این راه پیمائی چنین نوشت:

"پرولتاریای اروپا و آمریکا نیروهای مبارزاتی اش را به نمایش گذاشت و برای اولین بار در یک صف و در زیر یک پرچم بسیج شد... نمایش این روز به سرمایه داران و مالکان ارضی همه کشورهای جهان نشان داد که پرولترهای سراسر جهان واقعا متحدند".



علل پیدایش، نقش و تأثیر

اول ماه مه در جنبش کارگری



نفسه از صفحه اول صفحه پنجم شرح حرفه اردوی سرمايه و سوزوی اردوی گاز است.

از آن پس اول ماه مه، روز اعلام همبستگی و هم سرنوشتی و انعکاس خواست و قدرت طبقه جهانی کارگر در حرکت علمیه سردگی کار، روز اعلام خشم یکبارچه کارگران جهان علیه هر ظلم و تبعه‌النسی گشت.

نظاهاات ميلمونها کارگر در این روز، اعلام وفاداری به سرجم سوسالمزم و انترناسیونالیم است و خونت خوین سرمايه داران در تاریخ این روز سانگر نفر و نرس آنا از آرمان پرولناریاست. معاین ترتیب علل و زمینه نادی پیدایی این روز را میتوان در خصلت‌های طیفانی پرولناریا جستجو کرد. اما این نظاها قدرت جهانی همواره نفسی برجسته در آگاهی بخشی و سازمانگری طبقه کارگر و ارتقا، اشکال و مضامین سازمانی او داشته است. و بر اساس شرایط گوناگون، اهداف و نتایج مشخصی را دنبال نموده و پیامدهای خاصی را به همراه داشته است. و حبه سا الهام بخش سازمانگر حرکات وسیعتر و عمیقتر نودهای گردیده. مثلا در سال ۱۸۹۱ اولین اعتصاب برای حق انتخابات در بلژیک از جشن اول ماه مه، سرچشمه گرفت. و با در روسیه ۱۹۰۵، نظاهاات اول ماه مه، تبدیل به اعتصاب و نظاهاات نودهای عظیم گشت. و نظاهاات نیم ميلمون نفری اول ماه مه ۱۹۱۱ در پربورگ را لندن سر آغاز اعلام سجدد و پیداری روسیه از یک جواب عمیق میداند.

در آلمان ۱۹۱۰ برگزاری روز اول ماه مه با مبارزه سیاسی برای حق انتخابات پیوند میخورد. در ایران برگزاری جشن اول ماه مه در سال ۱۲۹۹ جنبش اتحادیه‌های و شکل گیری اتحادیه‌های کارگری در ایران را عمیق و وسعت میبخشد. روزالوکر اسورگ در این مورد میگوید "ولی این است لنگ" نامی که کنگره اتحادیه‌های آلمان در کلن به جشن اول ماه مه داد. آمده، در جستانی بیش رو دارد و نفسی در آمده، مبارزه طبقانی پرولناریا اینا خواهد نبود. (۱)

علل ابقای این نقش آگاهگر سازمانگر روز اول ماه مه را نباید در سه محور مورد بررسی قرار داد: پیام اول ماه مه، شکل برگزاری آن و شرایط حاکم بر آن. آگاهی و پیام ویزای که این مراسم به پرولناریا القا میکند همانا اعلام همبستگی و دشمنی مشترک پرولناریای جهان در برابر سوزواری است که با برگزاری مراسم و گزافی داشت و باآوری سازمانیکارچه و سرخوردهای خوین پرولناریای جهان با سرمايه جهانی و با مشاهده نرس و نفر و خونت سوزواری در برابر این روز، که نرس او را از شکل و اتحاد و آرمان پرولناریا آشکارا نشان میدهد. به ذهن نودهای وسیع و عمق مانده کارگری روح بینماید و فرصتی به پستانگان میدهد که با درس آموزی از وقایع این سالها تجربه سازمانی کارگران را هرچه بیشتر غنا بخند.

گذشته از این مسئله از آنجا که شکل، برگزاری این مراسم، معنی تعطیل عمومی کار و نظاهاات حیاتبانی، اشکال مستقیم مبارزه، طیفانی پرولناریا، منتج از مسامات سرمايه داری است خود به سازمانگر پرولناریا برای اشکال عمالی تر مبارزه تبدیل میگردد. بدیعمنی کفای حرکت سازمانی انثار عمق مانده تر راه مبارزه طبقانی کشانده و آماده سازمانی بری و انضباط و پستروان را فادربه سازماندهی آمان میکند و زمینه را برای دستیابی به اشکال عمالی تر مبارزه فراهم میسازد. طبعیعا در شرایطی که این روز مثلا به اشکار سوزواری و منظور به انحراف کشانیدن جنبش کارگری تعطیل میگردد. نمیتواند مانند شرایطی که تعطیل عمومی کار، با هر عمل دیگر، بر خورد مستقیم پرولناریا را با سوزواری موجب میشود، نفس ارتقا، دهندد و سازمانگر خود را بازی کند. چرا که ایده اول ماه مه ترک وسیع کارگران در عطیات نوده‌ای وسیع سیاسی و تعطیل عمومی کار است. البته واضح است که بر زمینه

شرایط تاریخی مشخص است که این مجموعه عوامی میتواند تا نسیر سازمانگر و آگاهگر چشمگیر و رو به اعتلا، داشته باشد و فقط در فضای ملتهب دورانیهای اعتلا، و وضعیت انقلابی است که سنت اول ماه مه میتواند آغازگر و ارتقا، دهندد. اعتصابات عظیم نودهای و سازمانگر حاد طبقانی گردد. نفسی که این روز میتواند در ارتقا، جنبش طبقه کارگر داشته باشد هرگاه مویله پستانگان طبقه بدرستی شاخه شده و با طرح، تعارهای صحیح و بیوع و یافتن اشکال صحیح سرگزاری آن توام گردد به بهترین نحو متحقق می گردد. و طبعیعا لازمه آن یافتن ماهرانه ترین انطقی با وضعیت مشخص و برقرار کردن نزدیکترین

نمای ممکن با روانشناسی نوده‌ها در شرایط مشخص بوسیله این پستانگان بود. مثلا روزالوکر اسورگ در اول ماه مه ۱۹۱۲، برای کارگران شعار ۸ ساعت کار و صلح جهانی را مطرح میکند و با استالین به هنگامی که جنگ امپریالیستی، پرولناریای جهان را بحان هم انداخته بود و جنون مهبی بر ستانه‌های شعار کارگران جهان متحد شوید را میگرفت. کارگران میگوید: "باید که این اول ماه مه، وقتی که صدها هزار کارگر پتروگراد دست های برادری بسوی کارگران جهان دراز میکنند. نولد انترناسیونال انقلابی جدید باشد. باید که شعار کارگران جهان متحد شوید" کفای پیدایشهای پتروگراد کوش می

۱- صفحه ۵۶ - کتاب اعتصاب نودهای، سال ۱۹۰۶.

نگاهی به جنبش کارگری در یک سال اخیر

یکی از وظایف اساسی جنبش کمونیستی اینست که سه کمک توانیس حاکم بر مبارزه، طبقاتی در جامعه، سرمایه داری، با تحلیل جنبش کارگری و ارائه رهنمودهای عملی به کارگران بشود. از این کانال در پیوند جنبش کمونیستی و کارگری نکوشد. بودی آگاهی سوسیالیستی بدون جنبش خودبخودی طبقه کارگر بجز از طریق کمک به سازماندهی طبقه و تمییس شعارها و اهداف مرحله‌ای و استراتژیک طبقه، عملی نیست. کارگران پیشرو پل ارتباط کمونیستها و طبقه کارگرند. و بر عهده جنبش کمونیستی است که با تقویت و تقویت آنها، با پرورش کارهای توانایی از میان خود کارگران در امر سازماندهی و رهبری طبقه کارگر، به چراغ راهنمای واقعی جنبش کارگری تبدیل شود. پیوند تنها از این طریق امکان پذیر است.

ما سعی می‌کنیم در اینجا طی یک بررسی کوتاه و فشرده از جنبش کارگری در این یکسال اخیر به بحثی از رهنمودهای عملی در رابطه با این جنبش دست یابیم و دیدگاههای خود را در این مورد توضیح دهیم. طبیعی است که در یک بررسی کوتاه و فشرده تنها به بحثی از مسایل آنهم در خطوط کلی می‌توان دست یافت. وضع خود ما بعنوان جز کوچکسی از جنبش کمونیستی دامنه این خطوط را باز هم محدود تر می‌کند. ولی با همه اینها فکر می‌کنیم طرح این مسایل مفید فایده‌ای باشد. چه از نظر کاربرد عملی در مبارزه و چه از نظر درآیند به بحث در این زمینه در درون جنبش کمونیستی که البته نتیجه آن هر چه برابرتر شدن تجارب در این زمینه خواهد بود.

کارگران بیکار و کارگران شاغل

در شرایط کنونی می‌توان مبارزات کارگران را به دو بخش تقسیم کرد: بیکاران و شاغلین. این تقسیم بندی چه از نظر سطح و شکل مبارزه و چه از نظر پیوند بین این دو مبارزه عمیقیت دارد. این تقسیم بندی از سوی دیگر جدائی بین این دو بخش را نشان می‌دهد و این واقعیت تلخی است. ولی هیچ وقت نمی‌توان واقعیت‌های تلخ را از بین برد. دلایل وجود آمدن آنها روشن شود. به همین دلیل اگر چه ما بر وحدت مبارزاتی طبقه کارگر تأکید داریم، ولی برای دست یافتن به این وحدت آغاز بررسی از همین تقسیم بندی را ضروری می‌دانیم.

نگاتی پیرامون مبارزات کارگران بیکار

ارزهان آغاز استقرار سرمایه داری وابسته در میهنمان، بیکاری پنهان در ایران وجود داشت و زحمتکشان ما از آن رنج می‌بردند. این بیکاری پنهان در ضمن زمینه خوبی برای تأمین نیروی کار ارزان برای سرمایه داران بود. گودها و حلسی آباد های اطراف تهران و شهرهای دیگر محصول چنین رابطاتی بودند و هنوز هم این رابطه بقوت خود باقی است.

همراه با گسترش بحران ساختی و آغاز انقلاب، با تعطیل کارخانجات و متوقف شدن پروژه‌های امپریالیستی، بیکاری از حالت پنهان خارج شده و تبدیل به یکی از مشکلات اساسی کارگران و زحمتکشان میهنمان گردید. و در این رابطه هم چون محرکی خود باعث گسترده شدن ایجاد انقلاب گشت. بعد از قیام بیستم بدلیل ادامه بحران اقتصادی و حتی عمیق تر شدن آن، تعداد بیکاران افزایش یافته است. این تعداد حتی در منابع دولتی که همیشه سعی کرده‌اند از گفتن تعداد واقعی بیکاران پرهیز کنند، هیچگاه کمتر از (۱ میلیون نفر برآورد نشده است.

بعد از قیام دولت موقت ناتوانی خود را در حل مسایل جامعه و در وهله اول بیکاران نشان داد. در همین رابطه کم کم موج مبارزات بیکاران در سطح کشور پدید آمد. اهواز، تهران، اراک، تبریز، کرج، تبریز و شهرهای دیگر گسترش یافت. بیکاران در ضمن کوشش گسترده‌ای برای متشکل شدن بعمل آوردند. اکنون بعد از گذشت بیش از یکسال این مبارزه علی رغم افت و خیزهای خود هم چنان ادامه یافته

است و بنظر می‌رسد در حال حاضر همراه با گسترش عمومی جنبش کارگری، مبارزات بیکاران نیز اوج تازه‌ای می‌یابد. ولی علی رغم این مسایل در یکسال گذشته مبارزات بیکاران در مجموع نتوانست از برد قطعی، چه از نظر شکل بیکاران و چه از نظر جلب حمایت توده‌های دیگر و کسب پیروزیهای درخشان در مقابل دولت و سرمایه داران برخوردار شود. اینک با تغییر شرایط جامعه و شروع موج و دوره جدید - تری از مبارزه، بیکاران نیز به موفقیت‌هایی دست یافته‌اند. برای موفقیت‌های بیشتر برای پاسخ گشتن به نیازهای مبارزات بیکاران، جمع بندی مسایل مربوطه به این مبارزه، علل عدم

موفقیت نسبی آن و اشتباهات آنان ضروری است. ما بدون بررسی تک تک نمونه‌های مبارزه کارگران بیکار مختصراً عوامل و مسایل مربوط به این مبارزات را در زیر می‌آوریم:

(۱) اقتصاد مصرفی نفت در اقتصاد ایران نقش بسیار زیادی دارد. درآمد نفت این امکان را بوجود آورده است که قشر وسیعی از کارمندان در بخش خدمات از حقوق دائمی برخوردار شوند. در واقع بخش قابل ملاحظه‌ای از درآمد نفت از این کانال وارد جوامع می‌گردد. این پول بدون ارتباط با پیرویه تولید در بخشهای دیگر وارد بازار می‌گردد و یک قدرت خرید دائمی را در شرایطی که تولیدات در بخشهای دیگر دچار رکود است بوجود آورد. امکان ایجاد و گسترش شبکه وسیع دست فروشان کنار خیابان را نیز باید به عامل فوق افزود. امکان تأمین زندگی از طریق دست فروشی برای تعدادی از آنها که کار خود را از دست داده‌اند، یکی از عواملی است که در پراکنده کردن بیکاران و کم کردن فشار بر دوش آنان نقش زیادی بازی کرده است.

(۲) ساخت خانواده: در جامعه ما هنوز کارگران دارای ریشه دهقانی بسیار قوی هستند. بسیاری از کارگران که در بخش ساختمانی کار می‌کنند کاملاً ارتباط خود را با زمین قطع نکرده‌اند. از سوی دیگر در بخشهای پیش رفته که کارگران با سواد شهری را به خود جذب کرده هنوز ریشه خرده بورژوازی شهری وجود دارد. این عامل باعث می‌شود که یک خانواده کاملاً کارگری و بکلی متکی برفروش تیروی کار نتواند وقتی کارگر اخراج می‌شود همبازی خانوادگی او را مورد حمایت قرار میدهد و فشار را بر دوش او کاهش می‌دهد.

البته این ترکیب در مورد تمام کارگران بیکار صادق نیست و بسیاری از آنها نه زمینی در دهه نه محل درآمدی در درون خانواده دارند. ولی بمنقش ترکیب خانوادگی در کم کردن فشار بیکاری نباید کم بها داد.

(۳) جو سیاسی جامعه: مسئله این است که مبارزات بیکاران در شرایطی تداوم یافت که ما یک انقلاب را پشت سر گذاشتیم. توده‌های بسیاری هنوز در توهم پیروزی و اعتماد به حاکمیت قرار دارند. این توهم تأثیرات خود را روی بیکاران برجای میگذارد. بخش بزرگی از بیکاران علی - رغم فشارهای زیاد بر دوشان حاضر به مبارزه قاطع در



برابر حاکمیت هستند. گر چنان مسئله باعث برانگیزه شدن بیکاران می شود ولی چیزی که اینجا مهم است و در پیروزی و ناکست مبارزات بیکاران از اهمیت زیادی برخوردار است؛ همانا حمایت یا عدم حمایت توده مردم است. در جامعه ما افرادی قدام بخشی از بیکاران شروع می کنند به مبارزه برای کسب خواسته های خود. بیکاران در این مبارزه تنها نبودند. توده مردم با تبعیت از هیأت حاکمه و تحت تأثیر توهیم پیروزی انقلاب، آنها را به صراحت انقلابی دعوت می کند و به نظرات اعتراضات آنها هم چون عملی ضد انقلابی می نگرد.

علاوه بر این مسئله بیکاران از حمایت کارگران شاغل نیز برخوردار نشدند. در این عمل حمایت وحدانی گذشته از مسائل دیگر، همین جو سیاسی تاثير زیادی داشته است.

● بودن آگاهی سوسیالیستی بدون جنبش خود بخودی طبقه کارگر بحر از طریق کمک به سازماندهی طبقه و تعیین شعارها و اهداف مرحله ای و استراتژیک طبقه عملی نبود. سطح مبارزه بیکاران نسبت به توده مردم خیلی بالاتر بود. اگر چه این حدائی کم کم در اثر تغییر شرایط از بین می رود ولی هنوز هم باید به عملکرد آن توجه داشت.

۴) ترکیب بیکاران: بیکاران ما اکثراً از بخشهای ساختمانی پیروزی هستند. خصوصیات این بخش از کارگران بدین ترتیب در نحوه سازماندهی و شکل آگاهی مبارزات بیکاران نقش بسیار زیادی دارد. بسیاری از کارگران ساختمانی بخشی از سال را در روستاها می گذرانند و از لحاظ آگاهی و سطح مواد عقب مانده اند. بعلمت ندانستن تولید در یک مکان و متغیر بودن ترکیب کارگران شکل پذیری آنها بسیار کم است. عامل هم شهری بودن در روابط بین آنها نقش زیادی دارد. خصوصیات دهقانی و خرده بورژوازی در میان آنها ریشه عمیقی دارد. اینها همه عواملی هستند که می تواند شکل آنها را مشکل و شکننده سازد از سوی دیگر از آنجائی که اکثر بیکاران از بخش ساختمان هستند ایجاد ارتباط بین آنها و کارگران شاغل که در کارخانجات مشغولند مشکل است. مجموعه این عوامل در تضعیف مبارزات بیکاران و عدم موفقیت آن نقش دارد.

۵) سازماندهی و آگاهی: سازماندهی و آگاهی ارتباط درونی بسیار تنگناکی ما هم دارند. در عین حال می توان آنها را به عنوان دو وجه نسماً "مستقل بررسی کرد. مسئله سازماندهی مربوط به قانونمندی و شکل تشکیلی است که کارگران طی یک مبارزه و حرکت خود می گیرند. و ما در اینجا با مسئله سازماندهی مبارزه حول مسئله ایجاد کار برای بیکاران، مذاکره در رابطه با دولت و با سندیکاها کارفرمایان و مبارزه برای حق بیمه بیکاری روبرویم که در مجموع خود را در حول شکل سندیکائی نشان می دهد. در همین زمینه این سوال مطرح میشود که آیا آنها باید در سندیکای مشترک بیکاران و ناغلین گنجانند یا سندیکای بیکاران؟ هر کدام از اینها نقاط قوت و ضعفی دارند. در مجموع از نظر تجربیات جنبش کارگری جهانی سندیکای مشترک دست آورد های بیشتری به همراه دارد. وحدت طبقه کارگر را تأمین می کند. تضاد بیکاران و ناغلین را کاهش داده و زمینه را برای یک حرکت مشترک و حمایت ناغلین از بیکاران آماده می کند.

ولی در شرایط مشخصی بعلمت جدا بودن بخش ساختمانی از تولید در کارخانجات تحقق سندیکای مشترک اگر بگوئیم ناممکن حدافل بسیار مشکل است. اینجا وحدت

و انجمنهای مبارزاتی دیگر و اشکال و تاکتیکهای مبارزاتی دیگر تأمین کرد. در ضمن در زمینه سازماندهی بیکاران مسئله کارگران و دبیلتهای بیکار مطرح است. کسب وحدت این دو نیرو در حال حاضر در بسیاری از حرکات مبارزاتی بیکاران و عمدتاً در شهرستانها عملی شده است. علی رغم جدا بودن مسائل این دو نیرو در بعضی زمینهها، این وحدت در مجموع نقش مثبت باری کرده است.

مسئله آگاهی در اینجا بطور مشخص دو جنبه دارد. اولاً سطح آگاهی کارگران بیکار، شکل تعرضی مبارزه آنها در مقابل حاکمیت، روشن بودن اهداف مبارزه برای خود کارگران که بتواند وحدت درونی مبارزه آنها را تحکیم بخشد و ثانیاً نقش جنبش کمونیستی و رهنمود کمونیستی به بیکاران، تعیین شعارها ایجاد هماهنگی بین مبارزات بیکاران و جنبش خلق و بخش دیگر کارگران و کمک به سازماندهی و رهبری این مبارزه بطور کلی. مبارزات بیکاران (البته آن بخش از بیکاران که بصورت فعال و تعرضی در مقابل حاکمیت برای کسب حقوق خود ایستاده است) پیوندهای زیادی با جنبش کمونیستی برقرار کرده و در همین رابطه است که اشتباهات و انحرافات جنبش کمونیستی در سیر عمومی جنبش بیکاران می تأثیر نموده است. این تأثیر خود را در مسائل تشکیلاتی بیکاران و اهداف و شعارهای آنها نشان داده است. با وجود اینسکه حضور جنبش کمونیستی در جنبش بیکاران نیز مجموعه توانسته است آنرا تقویت کند و اگر از زیر هژمونی حاکمیت خارج شده است به عقب باز نگردد و مازایجه دست بورژوازی نگردد ولی اشتباهات فاحشی نیز

● در یکسال گذشته مبارزات بیکاران در مجموع نتوانست از سرد قطعی، چه از نظر تشکل بیکاران و چه از نظر جنبش حمایت توده های دیگر و کسب پیروزیهای درخشان در مقابل دولت و سرمایه داران برخوردار شود.

در این رابطه برتکت شده است. البته این اشتباهات خود بیانگر خط و گزاینات انحرافی می باشد. آنجائی که بیکاران دست به مبارزه زدند و به شکل تحصن، تظاهرات و یا حتی گروگان گیری و اشغال مراکز دولتی خود را نشان داد، حمله از گرایش آنارکو - سندیکالیستی عمل کرده است. یکی از ضربه های شدید این گرایش انحرافی به جنبش بیکاران که البته بر گرایش خود بخودی بیکاران نیز متکی بود، بدین صورت عمل کرده است که بیکاران را در جهت ایجاد پیوند بین بیکاران و ناغلین و کل خلق توانسته رهبری کند. نمونه برجسته این انحراف مقطع سفارت و حمله بیکاران به وزارت کار بود.

ما سعی کردیم با مطرح کردن این عوامل که بیشتر تأثیر منفی بر حرکت بیکاران گذاشته اند و تا حدود زیادی از گسترش این موج مبارزاتی جلوگیری کرده اند، به رهنمود هائی برای از میان برداشتن آنها برسیم. بحثی از این عوامل از جمله عوامل ۱، ۲، ۳، ۴ تا حدود زیادی مستقل از اراده عصر آگاهی عمل می کنند، ما باید با تکیه بر عواملی که می توانست تحت تأثیر عامل آگاهی تغییر کنند از تأثیرات منفی این دسته عواملی جلوگیری کنیم.

ولی اینک شرایط تغییر کرده است، ما اکنون شکل گرفتن نطفه های مقاومت توده ای در مقابل حاکمیت را به چشم خود می بینیم. در اراک کارگران بیکار و شاغل می توانست به وحدت و هماهنگی نسبی دست یابند. این خود گام مثبتی است. در اندیمشک حمله به بیکاران جو سیاسی حامی بیکاران را تقویت می کند و نقش سپاه پاسداران به عنوان عوامل حامی

سرمایه دار و ارگان سرکوب ضد انقلاب برای توده های مردم با حدود زیادی آشنا می شود.

دروود نمونه برجسته مقاومت توده ای در مقابل بورژوازی حاکمیت به جنبش کارگری است. تحصن مردم و درخواست لغو حکم اعدام و آزادی کارگران مبارز و شعارات عظیمی اصلی سرکوب مبارزات کارگران، به خوبی نشان دهنده پیوند بیکاران و سایر رنجبران است. این حرکت نشانگر آن است که در مقطعی جنبش بیکاران نقش گردان ضربه ای داشته و تأثیرات گسترده ای در سطح توده ها بسیار وسیع است.

ما باید از این پیوند و شرایط جدید جامعه اسفحال کنیم. باید شعارهای مبارزاتی بیکاران را هر چه بیشتر با شرایط سیاسی عمومی جامعه انطباق دهیم. این انعطاف برای جنبش بیکاری باید سنگین و مشکل باشد ولی باید برای کارگران نفس جنبش حیاتی این انعطاف را در پیروزی با شکست مبارزه ثان بخوبی توضیح داد.

تاکتیک تظاهرات بشكل عمدترین تاکتیک جنبش بیکاری، باید بکار گرفته شود. چرا این تاکتیک عمده است؟ مبارزات بیکاران در شکل فشار مستقیم بر ارگانهای حکومتی در طی این یکسال بود زیادی نداشته است. تحصن گرچه فشار زیادی بر ارگانهای دولتی وارد می کند ولی جنبه تبلیغی و افشاگر این مبارزه را بسیار محدود می کند. بیکاران اینک بیش از هر چیز به جلب حمایت توده ها و ویژه کارگران شاغل نیازمندند. این حمایت خود تأثیر زیادی در کسب امتیازاتی از ارگانهای دولتی دارد. تاکتیک تظاهرات مسئله بیکاران را در سطح شهر و منطقه مطرح می کند، شعارها بخوبی تأثیر افشاگر و جلب کننده حمایت دارد. در ضمن می تواند راه بیامنی بسوی مراکز اشغال کارگران صورت گیرد. این عمل و شعارهای دعوت کننده به وحدت عمل کارگران در ایجاد پیوند بین بیکاران و ناغلین موثر است. بین سندیکا ها و تشکل های رهبری کننده بیکاران و اتحادیه های کارگری رابطه فعالی در جهت ایجاد هماهنگی و تحقق پیوند، ضرورت حیاتی دارد.

برنامه: نه تنها در جهت مبارزه برای بیمه بیکاری بلکه دعوت از کارگران شاغل برای جذب و پذیرش بیکاران از طریق شوراهای کارخانه در برهه تولید وهم چنین تبلیغ در جهت آماده کردن زمینه برای اقدام همصادره انقلابی سرمایه ها از جانب بیکاران و جلب حمایت مادی و معنوی توده مردم باید صورت گیرد.

● مبارزات بیکاران در شرایطی مداوم یافت که ما یک انقلاب را پشت سر گذاشته ایم. توده های بسیاری هنوز در توهیم پیروزی و اعمال حاکمیت قرار دارند. این توهیم تا تأثیرات خود را روی بیکاران بر جای میگذارد. بحث بزرگی از بیکاران علی رغم فشارهای زیاد بر دوستان حاضر به مبارزه قاطع در برابر حاکمیت نیستند.

تجربیات پایان نوجه در امر تبلیغات و سازماندهی مبارزات کارگری، اضافه گیری و ربحش توهیم نسبت به ماهیت هیأت حاکمه فعلی بوده است. مبارزات بیکاران، روبروئی آنها با دولت و ناتوانی دولت در پاسخ گفتن به نیازهای آنها از طرق انقلابی، در فعال کردن جو سیاسی جامعه و نشان دادن عجز تاریخی و رسالت حفظ و بازسازی سرمایه از جانب حاکمیت، نقش بسیار زیادی داشته است.

نگاهی به مایه‌های مبارزات کارگران شاغل

قیام، تکان شدیدی به طبقه کارگر وارد کرده است. این تکان خود را بصورت لیزه‌های سی پاپان در تمامی آن زنجیره‌های که طبقه کارگر میسرمان را طی دوران دیکتاتوری سیاه پهلوی در خود می‌فرودند، نشان می‌دهد. بعد از قیام تمامی ذهنیت پیشین طبقه کارگر در هم فرو می‌ریزد. کارگرانی که بردگی را پذیرفته بودند و از دید تقدیس‌کننده به سرمایه می‌نگریستند، اینک تمام قلب‌های خود را تا تمامی آن‌ها تحقیر و فشار را چنان کینور، اینک سرمایه به سبب تقدیس نمی‌شود بلکه بولوناربا در جهت سرنگونی آن حرکت می‌کند. کارگران درست است که نسبت به حاکمیت دچار توهمند ولی این توهم نه ناشی از تقدیس سرمایه بلکه ناشی از نفوذ سرمایه است. این توهم و بیگانگی از خود بیش از همه در کارگران ماززی که دارای ایدئولوژی سنتی هستند خود را نشان می‌دهد.

بهر حال بازگشت کارگران به کارخانجات بعد از قیام نمی‌توانست همانند گذشته باشد. حرکت مبارزاتی کارگران ما با این ذهنیت تغییر یافته و زیر و رو شده طبیعی است که نمی‌توانست مانند گذشته باشد. کارگران با امید تغییر روابط گذشته با کارخانه گذاشتند، گرچه این امید با درک علیی و اراده تاریخی عجیب نشده بود. روبرو شدن کارگران با واقعیت موجود آنها را نه به عقب نشینی بلکه به اقدام در جهت نابودی بقایای گذشته وادار کرد.

بعد از قیام کوشش وسیعی برای شکل در بین طبقه آغاز می‌شود. چه در کارخانجاتی که کارفرما وجود نداشت و کارگران باید خود تولید را برآوردند، چه در کارخانجاتی که کارفرما وجود داشت و تولید ادامه می‌یافت و چه در کارخانجاتی که کارفرما وجود داشت ولی تولید ادامه نداشت و مسئله ورشکستگی و حقوق‌های عقب افتاده مطرح بود. محصول این تلاش بزرگ در جهت شکل، شوراهای کارخانه بود.

در همه این کارخانجات شوراهای به محدوده قدرت و انورینه پیشین سرمایه هجوم می‌برند. از همان آغاز تشکیل شوراهای هم خود کارگران و هم ناظران خارج از کارخانه می‌دانستند که این شکل چیزی است ماورای سندیکی سنتی

در مجموع از نظر تجربیات جنبش جهانی کارگری سندیکی مشترک سیکاران و شاغلین دست‌آوردهای بیشتری به همراه دارد، وحدت طبقه کارگر را تأمین میکند، تضاد سیکاران و شاغلین را کاهش داده و زمینه را برای یک حرکت مشترک و حمایت شاغلین از سیکاران آماده میکند.

برای فروش نیروی کار، ولی در سطح جنبش کمونیستی این درک کاملاً روشن نبود که این ارگانها چیستند و آینده و اهداف آنها چیست و بطریق اولی این اسامی در درون کارگران بیشتر بود.

با همه اینها، این منطق مبارزه طوقاتی بود که شوراهای را ایجاد می‌کرد و تاکنون نیز این کوشش و حرکت ادامه یافته است. به همین دلیل بخش بزرگی از مبارزات کارگران در کارخانجات تا شکل نورا و با تاریخچه آن عجیب شده و حول آن جریان یافته است. و برای بررسی باید به آن پرداخت.

در صورتی که محور مبارزه جاری در کارخانجات است، مبارزات کارگران شاغل هم جنبش خود را در شکل اعتصاب، تحصن و گروگان‌گیری نشان داده است. البته روشن است که اعتصاب تنها در آنجائی مطرح بوده و با امکان پذیر بوده

است که بروسه تولید از جانب سرمایه دار و با دولت ادامه یافته است. اعتصاب در این شرایط بهر دلیل که شروع شده باشد با شرایط مثلاً "دوره انقلاب که اعتصابات فلج‌کننده مطرح بود متفاوت است. در حال حاضر بعلمت‌آداه، بحران، بیگاری شدید و گسترده، اعتصاب شکل گسترده و مداوم با بندهائی حتی در یک موسسه صنعتی هم نیست. اعتصابات بیشتر با تحصن و گروگان‌گیری همراه بوده و کوتاه مدت بودند. در کنار اعتصاب همیشه شورا مطرح بوده، شورا نه به عنوان ارگان سندیکی سنتی معمول، بلکه آداه، همان بروسه فوق الذکر از حرکت شورا که در واقع اینک بر مبنای اعتصاب و به پشتوانه آن خود را تقویت کرده و به محدوده قدرت سرمایه دار هر چه بیشتر رخنه می‌کند.

علت اینکه چرا اعتصاب در این شرایط با شرایط دیگر متفاوت است و هم چون یک تاکتیک رو به گسترش خود را نشان نمی‌دهد، باید در شرایط اقتصادی و اجتماعی موجود جستجو کرد. بدلیل فلج بودن بازار کار و تولید، خطر

● باید شعارهای مبارزاتی سیکاران را هر چه بیشتر با شرایط سیاسی عمومی جامعه انطباق دهیم. این انعطاف برای جنبش بیگاری نباید شکنج و مشکل باشد ولی باید برای کارگران نقش حساسی این انعطاف را در پیروزی با شکست مبارزاتشان بخوبی توضیح داد.

اخراج و استخدام سیکاران بالای سر کارگران قرار دارد و از لحاظ کم بودن تولیدات و رکود اقتصادی شکل فلج‌کننده نمی‌تواند ضربه قاطع و موثری به سرمایه دار و با دولت بزند. به همین دلیل اعتصاب علی‌رغم اینکه در مبارزات کارگران بکار گرفته شده و خواهد شد ولی در این شرایط نمی‌تواند هم چون یک بدهنده عمده خود را نشان دهد.

تحصن تاکتیک مناسبی برای اعمال فشار مستقیم و جمعی بیک فرد یا ارگان است. تحصن‌های کارگری با اعتصاب و با بدون آن در شرایط متوقف بودن تولید از جانب سرمایه دار و با همراه با ارائه تولید و ماندن در محیط کار و یا محل دیگری بعد از اتمام کار خود را نشان داده است. تحصن وحدت درونی کارگران را حفظ می‌کند و امکان تبلیغ و تهییج جمعی کارگران را فراهم می‌کند.

تحصن از جانب سیکاران، کارگران یک کارخانه برای بدست آوردن حقوق عقب افتاده در اوایل سال بعد از قیام، و نیز از جانب کارگران یک واحد تولیدی برای روشن شدن تکلیف کارخانه بکار گرفته شده است. اغلب تحصن‌ها از جانب کارگران یک واحد تولیدی چه در دوره اوایل بعد از قیام، و چه این اواخر با گروگان‌گیری همراه بوده است. در واقع این حرکت آغاز اشغال فابریک است. گروگان‌گیری همراه با تولید در آنجائی خود را نشان داده که اعتصاب امکان پذیر نبوده است. و باز در کنار همه اینها شورا مطرح بود، و این خود بیانگر نقش شورا در مبارزات کارگران بعد از قیام می‌باشد. در کنار کوچکترین خواست آنجائی که شورای واقعی وجود نداشته، تشکیل شورای واقعی جزء خواسته بوده است. گروگان‌گیری، تحصن، و ادامه دادن به تولید از طریق شورا توسط خود کارگران به نوعی تاکتیک نزدیک به اشغال فابریک است که می‌توان گفت بعلمت عدم آگاهی کامل کارگران فابریک بدین صورت درمی‌آید. این تاکتیک باز نشان می‌دهد که اعتصاب مانند گذشته نمی‌تواند در این شرایط بکار گرفته شود. حال ببینیم شورا چیست؟ چرا تشکیل می‌شود و جهت حرکت آنها چیست؟ گفتیم اعتصاب هم چون یک شکل از مبارزه روندی چون گذشته طی نمی‌کند. ارتقا آن به سطح

گروگان‌گیری چه در همان آغاز و چه در طول حرکت سوسی راه انداختن تولید توسط کارگران و در دست گرفتن کنترل تولید در موسسات حرکت می‌کند. چرا؟ این شکل از حرکت نمی‌تواند خود را نشان دهد مگر در شرایطی که کارکرد مناسب سرمایه داری شدیداً به هم خورده و در آن رخنه و شکاف ایجاد شده باشد. کارگران پس از مبارزات مختلف پس از دیدن عجز سرمایه در این شرایط برای حفظ آداه، تولید، خود تولید را بدست می‌گیرند و بدون این عمل هیچ گرهائی از مشکلاتشان باز نخواهد شد. شورا و با خود این حرکت محصول بالا بودن خواستهها، زیر و رو شدن ذهنیت پیشین کارگران و حس و شناخت نسبی زائد بودن سرمایه دار در بروسه تولید از یک سو و آداه بحران اقتصادی - اجتماع می در جامعه از سوی دیگر است.

شورا گذشته از هر چیز یک تفاوت اساسی با سندیکی دارد، اگر سندیکی در چهارچوب مناسبات سرمایه داری بر سرفیتم نیروی کار چانه می‌زند، شورا در جهت شکستن این چهارچوب و جایگزین کردن نظم نوین بجای نظم کهن در تولید و روابط موجود در کارخانه حرکت می‌کند. شورا به اساسی‌ترین حق سرمایه دار یعنی حق مالکیت خصوصی تعرض می‌کند. به همین دلیل نه تنها سرمایه دار، بلکه جناب بنی صدر و تمام آنهائی که رسالت حفظ و بازسازی سرمایه داری را بر عهده گرفته‌اند مثل جن از بسم الله از اسم شورا می‌ترسند. به همین دلیل علی‌رغم احتیاج شدید دولت و نظام به آداه، تولید، هر کجا که شورا اقدام به این تعرض می‌کند با محاصره اقتصادی آن واحد ندادن مواد اولیه، تخریب مواد تولید شده از جانب آن و غیره به نابود کردن آن اقدام می‌کنند. در این مرحله دیگر مسئله آداه تولید نیست، شوراگرچه حتی تولید را می‌تواند افزایش دهد ولی مسئله پنبه و آتش در کنار یکدیگر است. نظم انقلابی نمی‌تواند در کنار نظم ضد انقلابی قرار بگیرد و هم زیستی سالمت آمیز بکنند. چرا که انقلاب در یک محدوده نمی‌ماند و سریعاً

باید ترتیب در شرایط فعلی شکل بولوناربا حول تولید، و با حول محور بدست گرفتن کنترل تولید در موسسات توسط کارگران جریان دارد. این همان بروسه‌ای است که

● کارگران درست است که نسبت به حاکمیت دچار توهم اند ولی این توهم نه ناشی از تقدیس سرمایه بلکه ناشی از نفوذ آن سرمایه است.

بعد از قیام آغاز شده و همان هم ادامه دارد و تا وقتی که این شرایط چه در جهت انقلاب و چه در جهت ضد انقلاب تعیین نگردد باشد به حرکت خود ادامه خواهد داد. پس برود شعار کنترل تولید و جنبه‌های دیگر آن به درون مبارزات کارگران اولیه و طبقه کارگران قبالت طبقه کارگر است. ما شعار دوره‌ای، ضرورت شعار این شعار و تمام جوانب و بیچینی‌های آن بحث خواهیم کرد ولی مقدمتاً تأکید می‌کنیم که ما جوهر و جهت مبارزه کارگران را بعد از قیام حول این مسئله مبارزه ارزیابی می‌کنیم.

از آنجائی که مبارزات کارگران حول مسئله شورا جریان دارد شکل گسترده بر آنها نیز نمی‌تواند بی ارتباط با این مسئله جریان یابد. به همین دلیل است که کوششهای نیروهای هم چون حزب نورد برای تشکیل سندیکی بعد از قیام نتوانست تبدیل به حرکتی وسیع گردد. اکنون گفتند سوسیون کارگران ایران در مقایسه با گسترده‌کی تشکیلات سنتی بر شوراهای حرکت کوچک و میرنده‌ای شعار می‌دهند.

اگر شورای کارخانه برونلاریای فابریک را در درون خود متشکل کرده و هماهنگی آنها را در جریان تولید سازمان می دهد و مبارزه را حول مسئله کنترل به پیش می راند تشکیل اتحادیه ها و کنفدراسیونهای شوراهای کارخانجات نیز نمی تواند جدا از این محور عمل کند. این وحدت، جدا از اینکه ارگان عملی شاهدنگ کارگران در رابطه با یک خواست مشخص چه در مقابل دولت و چه در مقابل سرمایه داران است در عین حال تأمین کننده حمایت و همکاری متقابل شوراهای

اعتصاب هم چون یک شکل از مبارزه روندی چون گذشته طی نمی کند. ارتقاء آن به سطح کارگران گری چه در همان آغاز و چه در طول حرکت بسط راه انداختن تولید توسط کارگران و در دست گرفتن کنترل تولید و سیاست حرکت میکند.

کارخانجات برای اداره "مو" سات و کارخانجات می باشد. این وحدت باید در نهایت بر اساس رشته های مختلف صنعت شکل گیرد که شکل عالی و سازمان یافته، این شکلها است. این کوشش اینک در ایران در حال گسترش است. گسترش چه نطفه های این شکلها بر اساس مناطق در حال شکل گیری است، ولی باید در ادامه حرکت خود بسوی شکل بر مبنای رشته صنعت به پیش رود. بدون اتحاد فشرده، شورا های کارخانجات ادامه حیات آنها و گسترش مبارزات کارگران ممکن نیست. همانطور که سرمایه داران و دولت مدافع آنان در جهت خفه کردن و خلع سلاح این شوراها حرکت می کنند بهمان ترتیب نیز وحدت عمل کارگران برای مقابله با آنان

ضروری و فوری است.

مبارزه برای کنترل تولید می تواند زمینهای برای ساختمان و تشکیل سندیکای سرخ باشد. شورای کارخانه در واقع از سوئی ارگان کنترل تولید است و از سوی دیگر ارگان سندیکا است. این مبارزه ای است در مقابل ضد انقلاب، این مبارزه می تواند هم چون نیکه گاهی برای مقاومت در مقابل بورش ضد انقلاب بر علیه کارگران عمل کند. همانطور که در مورد بیکاران، جلب حمایت شاغلین و توده مردم برای پیروزی مبارزه نقش تعیین کننده دارد و از اهمیت حیاتی برخوردار است، شاغلین نیز در این مبارزه باید در جهت ایجاد پیوند با بیکاران از طریق شوراهای کارخانه خود و برنامه ریزی برای جلب آنها به تولید و کسب حمایت توده ها از کنترل کارگری بر تولید، حرکت کنند. شوراهای کارخانه باید به مردم نشان دهند که راه واقعی قطع وابستگی و مبارزه ضد امپریالیستی همین مبارزه است. باید توپخانه های دولت را در جهت سرکوب شوراها و پیوند با امپریالیزم و راه انداختن مناسبات گذشته در تولید افشا کنند. این مبارزه کسب حمایت توده ها و ثابت کردن رسالت تاریخی رهائی جامعه بدست کارگران برای آنها، خود بعد دیگری از مبارزه برای کسب هژمونی است. جنبش کمونیستی باید به اهمیت این مسئله توجه کافی مبذول دارد.

مادری از جنبه های این مبارزه در درون کارخانجات و اتحادیه ها شکل می گیریم. البته آنها باید دقیقاً تکافته شوند و تجربیات کارگری در این زمینه باید در همه ابعاد خود جمع بندی شود ولی پرداختن به آنها از حوصله این مقاله خارج است. ولی سعی می کنیم در آینده آنها را

مفصل تر بررسی کنیم.

در حال حاضر مبارزه حول مسئله شوراهای واقعی کارخانه نه تنها افت نکرده است بلکه بنظر می رسد که حرکت تازه ای به پیش را آغاز کرده است. این حرکت چه در درون کارخانجات و چه در سطح تشکیل اتحادیه ها ابعاد تازه ای به خود می گیرد. تشکیل اتحادیه های سراسری شوراهای گیلان خود نمونه "سرحسته" این کوشش جدید است. این اتحادیه نشان می دهد که چگونه اتحادیه شوراهای هم می تواند شکل و هماهنگی در مبارزه برای تحقق یک خواست مشترک را عملی سازد و این همان جنبه "سندیکائی آن است و هم

بدون اتحاد فشرده شوراهای کارخانجات ادامه حیات آنها و گسترش مبارزات کارگران ممکن نیست. همانطور که سرمایه داران و دولت مدافع آنان در جهت خفه کردن و خلع سلاح این شوراها حرکت میکنند بهمان ترتیب نیز وحدت عمل کارگران برای مقابله با آنان ضروری و فوری است.

می تواند به سطح کنترل کارگری و کمک و همکاری متقابل در این رابطه ارتقا یابد. این همان جنبه "شکل بر مبنای تولید است.

بهر حال آینده جنبش کارگری به گسترش این مبارزات بستگی تام دارد، و به نظر می رسد که آینده درخشانی در انتظار مبارزه و شکل کارگری میهنمان است. به امید اینکه در این مختصر توانسته باشیم خطوط کلی مبارزات کارگری را ترسیم کنیم، و از این طریق در ارتقاء آگاهی نسبت به سمت و اهداف این جنبش در شرایط فعلی بکوشیم.

اهمیت و نقش ویژه اول ماه مه

نمی تواند معنای چندانی داشته باشد. برونلاریا طبقاتی نیست که

صرفاً برای بهبود شرایط زندگی خود در داخل نظام سرمایه داری مبارزه می کند. این خصلت (مبارزه برای بهبود زندگی)، خصلت عام تمام طبقات تحت ستم در طول تاریخ حوابع طبقاتی بوده است. همانطور که ساید نقش و اهمیت برونلاریا را نه در این خصلت عمومی بلکه در جای دیگر جست به همان ترتیب نیز نقش و اهمیت روز اول ماه مه را نباید به روز کارگر با عنایت و طرح خواسته های مشخصی طبقه کارگر محدود کرد.

اهمیت ویژه اول ماه مه در این است که محل تلاقی جنبش کارگری و جنبش کمونیستی است. برونلاریا بعد از گذشتن از فراز و نشیب های تاریخی و سیاسی طولانی، بعد از تجربه انقلابات شکوهمند ولی شکست خورده - سالهای ۴۹-۱۸۴۸ و بدویزه بعد از دست زدن به بزرگی

کند، نمی خواهد و نمیتواند در این مرحله با سرمایه داری به مبارزه ای بیرون رود. در این مرحله دشمنی او نه با سرمایه دار که با نظام سرمایه داری است. هدف نه بهبود شرایط زندگی که بنیاد زندگی نوینی است، نه رهائی از این یا آن ستم بلکه رهائی از هر نوع ستم و استثمار است، نه در فکر رها کردن خود بلکه فکر رهائی بشریت است. در این مرحله جنبش کارگری صرفاً جنبشی در خدمت حل تضادهای مقطعی و معیشتی کارگر و سرمایه دار نیست، بلکه جنبشی است که کل موجودیت رابطه کار و سرمایه دار و کل چهارچوب نظام سرمایه داری را مورد تعرض قرار میدهد و مرحله تعرض برونلاریا در حوزه سیاست علیه سرمایه داری و برای کسب قدرت سیاسی است. در این مرحله جنبش کارگری دیگر صرفاً

خلاف تصور اکونومیستها این سه اصطلاح "خود طبقه کارگر" نبود که حادثه اول ماه مه در شیکاگو را به روز جهانی اول ماه مه تبدیل کرد. این پیوند عمیق و ارگانیک این طبقه با سوسیالیسم علمی بود که اول ماه مه را بوجود آورد و در طول نود سال گذشته آن را به روز همبستگی بزرگ برونلاریای سراسر جهان، به روز وحش بزرگ کارگران، به روز سمرود سرنوشت سازگار و سرمایه بدل نمود. این نه خود طبقه کارگر بلکه پیوند تنگاتنگ برونلاریای سراسر جهان با انترناسیونال - این عالی ترین شکل سیاسی طبقه کارگر و مظهر راستی رهائی برونلاریا در آن مرحله بود که به اول ماه مه، به روز کشتار کارگران در شیکاگو، مضمونی سیاسی بخشید.

اهمیت و نقش ویژه اول ماه مه را درست باید در همین حاجت!

میباشد. از این رو به پرستش: چه باید کرد تا به کارگران اکثر مواردها آن اکتفا مینمایند. برای اینکه به کارگران دانش سیاسی داده شود، نمی توان فقط این یک پاسخ را داد. سیاسی داد نمود، سوسیال دموکراتها باید میان کلیه طبقات که: "باید میان کارگران رفت" پاسخی که براتیسینها و اهالی بیرونند و باید دستجات ارتش خود را به تمام اطراف، بخصوص براتیسینهایی که متعایل به اکونومیسم هستند در روانه سازند.

شعور سیاسی طبقاتی را فقط از بیرون، یعنی از بیرون مبارزه اقتصادی و از بیرون مدار مناسبات کارگران با کارفرمایان میتوان برای کارگر آورد. رشته های گامین دانش را فقط از آن میتوان تحصیل نمود رشته مناسبات تمام طبقات

اول ماه مه در ایران

بقیه از صفحه اول ضمیمه

کتاب محروم ایرانی را به سوی خود فرا میخواند. در آن زمان حزب کمونیست ایران تازه تشکیل شده بود و روزنامه "حقیقت" ارگان مرکزی آن در ضمن ارگان نیمه رسمی شورای اتحادیه های کارگری نیز محسوب میشد.

"حقیقت" که از سال ۱۳۰۱ و بمدیریت سید محمد دهگان عضو کمیته مرکزی حزب منتشر میشد اولین روزنامه ای بود که طی مقاله های به معرفی اول ماه مه پرداخت. "حقیقت" در مقاله خود با زبانی ساده کارگران ایرانی را با تاریخچه جنبش کارگری بین المللی و نقش مارکس و انگلس و فعالیت های انترناسیونال اول و دوم آشنا ساخته و سپس آنها را به مبارزه در راه حقوق خود و کسب آزادیهای اجتماعی و سیاسی دعوت مینمود. هر چند که این روزنامه با مسائل مبارزاتی کارگران با مضمونی رفورمیستی و اصلاح طلبانه برخورد می کرد ولی از آنجا که گوشه ای از گذشته جنبش کارگری ایران را به نمایش میگذارد نایسته است که قسمت هایی از آن مقاله را در اینجا نقل کنیم:

"اول ماه مه باید تعطیل شود. این تعطیل هرج و مرج نیست. این تعطیل انقلاب هم نیست. این تعطیل است که باید ملت از حکومت با زور حقوق خود را مسترد دارد. این روزی است که دولت باید موجودیت ملت را بفهمد (تو دولت) نمیتوانی از آزادی قلم، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات جلوگیری کنی زیرا آن حق مشروع ملت است"

"ما اساسا نجات بشر را در العای مالکیت خصوصی میدانیم. این دزدی هم نیست بلکه منبع و منشا دزدی مالکیت خصوصی بوده... با این عقیده ملانماها هم ما را

میتوانند تکفیر کنند."

"سوسیالیزم طوریکه بعضی ها تصور می کنند مخرب دنیا نیست بلکه برای آبادی و آزادی بشر است" نظریات ما در این عهد، ملی و در عین ملی بودن بین المللی است"

مدتی بعد روزنامه حقیقت توقیف شد و در سال ۱۳۰۲ روزنامه ای بنام "کار" بمدیریت ابوالفضل لسانی که در آن زمان رئیس اتحادیه معلمین بود، مقاله ای در معرفی ستایش اول ماه مه درج نمود.

در مقاله "کار" آمده بود: "رفقا، کارگران! روز اول ماه مه روز فتح و فیروزی کارگران و روز مغلوبیت دشمنان بشریت است.

کارگران! امروز روزی است که خون کارگران ممالک آلمان، انگلیس، روسیه فرانسه خیا بانها و کوجه های برلن، لندن، پاریس و پطرو گراد را گلگون و رنگین ساخته است."

"ای سرمایه داران وای زالوهای اجتماعی! یقین بدانید که نهضت کارگری نمی میرد زیرا انقلاب روسیه، مجارستان و آلمان نشان دادند که هر قدر سرمایه داران جدی تر شوند، هر قدر سرمایه تمرکز یابد، هر قدر برای پائمال کردن کارگران و سرکوبی آنان مجهز تر شوند صفوف کارگران قویتر و اساس کار ضعیفا محکمتر میشود و استحکام این طرف بلا شک سبب ضعف آن طرف است!"

بعد از اینکه حکومت وابسته بامیرالیم رضاخان تثبیت گردید و قلع و قمع آزادیها آغاز شد، شورای اتحادیه های کارگری نیز از دم تیغ سرکوب گذشت و در نتیجه کارگران

مجبور شدند جشن گرانقدر خود را در باغات اطراف شهر سرگز از نمایند. بطوریکه در سال ۱۳۰۵ کارگران تهران که تعدادشان حدود ۸۰۰-۷۰۰ نفر بود مراسم جشن را در باغی نزدیک دروازه

دولت برگزار کردند. در سال ۱۳۰۷، جشن اول ماه مه در تهران و اغلب شهرهای صنعتی با ستار و رهبری حزب کمونیست ایران برپا گردید. جشن مزبور محتوا کاتلا سیاسی ذات و جلوه های از نیروی سیاسی کارگران را در مبارزه طبقاتی به نمایش میگذاشت.

در اعلامیه ای که بمناسبت آن منتشر گردیده بود رضا خان پهلوی عامل امیرالیم انگلیس معرفی گشته بود و از کارگران دعوت شده بود که با تمام توان خود در مبارزه با این حرکت وابسته شرکت نمایند.

در این مراسم کارگران ضمن اینکه بار دیگر مبنای خود را با کارگران جهان تجدید کردند، پاره ای از خواسته های خود را نیز مطرح نمودند که حق اعتصاب، حق اجتماعات، هشت ساعت کار روزانه و جلوگیری از کار کودکان در زمره آنها بود. این مراسم که تجلی دیگری از مبارزه جوشی کارگران ایران بود مورد هجوم وحشیانه پلیس رضاخانی واقع گشت و صدها تن از کارگران دستگیر شدند.

سال بعد (۱۳۰۸) مراسم اول ماه مه با شکوه و عظمت خاصی در آبادان برگزار شد و کارگران مبارز شرکت نفت همان روز را، روز آغاز اعتصاب خود بر علیه شرکت امیرالیمستی ایران و انگلیس قرار دادند.

هر چند که این اعتصاب شکوهمند که نزدیک ۳۰ هزار نفر از کارگران رزمنده نفت در آن شرکت داشتند، توسط پلیس رضاشاه سرکوب شد ولی سبب شد که کارگران به تحارب مبارزاتی گرانبناهی دست یابند. کارگران دلیر نفت با اقدام انقلابی خویش نشان دادند که اول ماه مه نه یک جشن معمولی و ساده بلکه روز وحدت انقلابی و مبارزاتی کارگران است. روزی است که قدرت بیگران کارگران را در عرصه مبارزات اجتماعی و سیاسی به نمایش میگذارد و آنان را به عنوان یک نیروی سیاسی

کار نامه

رسم " بجای می آمد!
من سالهاست تجربه کردم،
انواع حیلها را.

بازی، به هر جهت
چون سالهای پیش،
امسال هم گذشت.
امسال هم،

در پرتو تفنگ و توطئه و سازش
- با نام انقلاب -
بر کارخانه دار،
خوش رفت روزگار!
سالی که سایر رفقارا
- چون سالهای پیش -
سرکوب کرده اند.

سالی که صد فریب و توطئه جاری بود
در کارخانه ها و مزارع؛
سالی که غاصبان حاکمیت مردم،
هرحیله را بیگار گرفتند،
تا پرچم نبرد کارگران را،
با دشمنان،
از دستشان بقاپند
امسال هم
- چون سالهای پیش -
مدیران و حاکمان،

از نظم و انضباط سخن گفتند.
آنها برای من و سایر رفقایم،
از عشق و گار سخن گفتند!
گفتند:

"نظم، نظم مقدس،
در کارخانه ها و مزارع،
ایجاد میشود."

آنها در این زمینه فراوان،
رفتند و نطق های پرهیجان کردند!
ما در گمان که: نظم آقایان
نظمیست تا که رنجبران را،
از بردگی رها بنماید.
آخر، طاعوت رفته بود!
و حاکمان تغییر کرده بودند -
ما بی خبر ز توطئه و سازش،
گفتیم دور تازه رسیده است.

گفتیم ای رفیقان!
ما انقلاب کردیم،
این دور، دور ماست.
اما
وقتی که خواستیم
خود نظم خویش را،
شورای خویش را
بنیان بنهیم و شکل بگیریم،
دیدیم ناگهان،

از پشت انقلاب
سرنیزه های ارتش اسلامی
ما را نشانه رفته است!

وقتی که وضع چنین شد،
ما نیز اعتصاب نمودیم -
از توی کارگاهها
در خانه و خیابان
فریاد می زدیم:

نظم شما، ای حاکمان تو،
همان نظم کهنه است!
نظمی برای سرمایه ست
نه نظم کارگران و ستمکشان -
آنوقت حاکمان،
مثل گذشته نطق های پرهیجان کردند!
"زحمتکشان نرافتمند!"

اینگ وطن
در انتظار دستهای شماست.
امرو، روزگار است،
نه روز اعتصاب.
افزون کنید،
تولید مام میهن را -
قدری امان دهید،
تا نظم، نظم مقدس را
در کارخانه مستقر سازیم -
وقتی نسیم توطئه می آمد،

من سالهاست که در کارخانه ها
تولید کرده ام، اما
امکان استفاده از آن را،
هرگز نداشتم، زیرا
این نظم کارخانه ای ما بوده است.
سرمایه دارها و مدیران کارگاه
دزدان محترمی بودند،
که با زور من و سایر کارگران را
با احترام می دزدیدند!
ما نیز،
در سایه تفنگ حکومت
سرکوب می شدیم -
اما،
هنگام جشنها و مراسم
وقتی که مام میهن را
غرق گل و گلاب می کردند،
از ما ستایش و تمجید،

نویس که آینده، تاریخ آن اوست معرفی می نماید .
در سال ۱۴۱۰ کارگران نساجی کارخانه " وطن"
اصفهان در چهارم اردیبهشت ماهه را جشن گرفتند .
آنها میخواستند کارگران نفت ، جشن را به عرصه مبارزات طبقاتی
ببندل نمودند و تصمیم گرفتند که برای نامین برخی خواسته
های خود از روز ۲ بدست با اعتصاب بزنند .

این حرکت و شکره که بانصد کارگر نساج در آن شرکت
داشتند مورد تحسین و تکرار گرفت و ۲۵ تن از کارگران
فعال دستگورزندانی شد . یکی از هیران اعتصاب کارگری
بنام سید محمد اسمعیلی معروف به " تنها " بود که بعد از
تحمل هفت سال شکنجه و زندانی ، پوراندان قصر بشهادت
رسید .

زمانیکه رضاخان قلدقانون صدها خلقی را بعد کومینستی
۱۳۱۰ را بشخصیوت رساند فعالینهای مبارزاتی کارگران با
محدودیت های زیادی مواجه شد ولی در سالهای جنگ دوم
جهانی بار دیگر اوج نازهای گرفت . بعد از سقوط رضاخان در
سال ۱۳۲۰ ، مراسم اول ماه مه معددا " تحت رهبری و هدایت
حزب توده انجام میگرفت و در نتیجه ، رفو میسم و سازگاری
اشکاریکه بر حزب و برنامه آن حاکم بود بوضوح خود را در
بیانه ها و خواسته های مراسم جشن اول ماه مه ، در آن دوره
منعکس می ساخت .

در مراسم اول ماه مه در سال ۱۳۲۴ هشتاد هزار نفر
تهران و ۲۵۰ هزار نفر در شهرستانها بنظواهرات حماسی
برداشتند و قدرت لایزال طبقه کارگر ایران را به نمایش
گذازدند . هفتصد هزار نفر در سال ۱۳۲۵ در سراسر ایران در
جشن اول ماه مه شرکت کردند . تشدید خفقان و سرکوب در
سال ۱۳۲۷ هر چند مبارزات و ستیزه جوئی کارگران را با
موانعی روبرو ساخت ولی بازم کارگران همه ساله جشن طبقاتی و

خود را با شور و علاقه بی گران برگزار میکنند .
در سال ۱۳۳۰ که خلق ایران بیکارچه در برابر امپریالیسم
انگلیس بمبارزه برخاسته بود ، جشن اول ماه مه به نمایش
عظیمی از مبارزه طبقه کارگران تبدیل شد و ناطعیت و بیگوری
کارگران را در مبارزه با امپریالیسم منحل نمود .

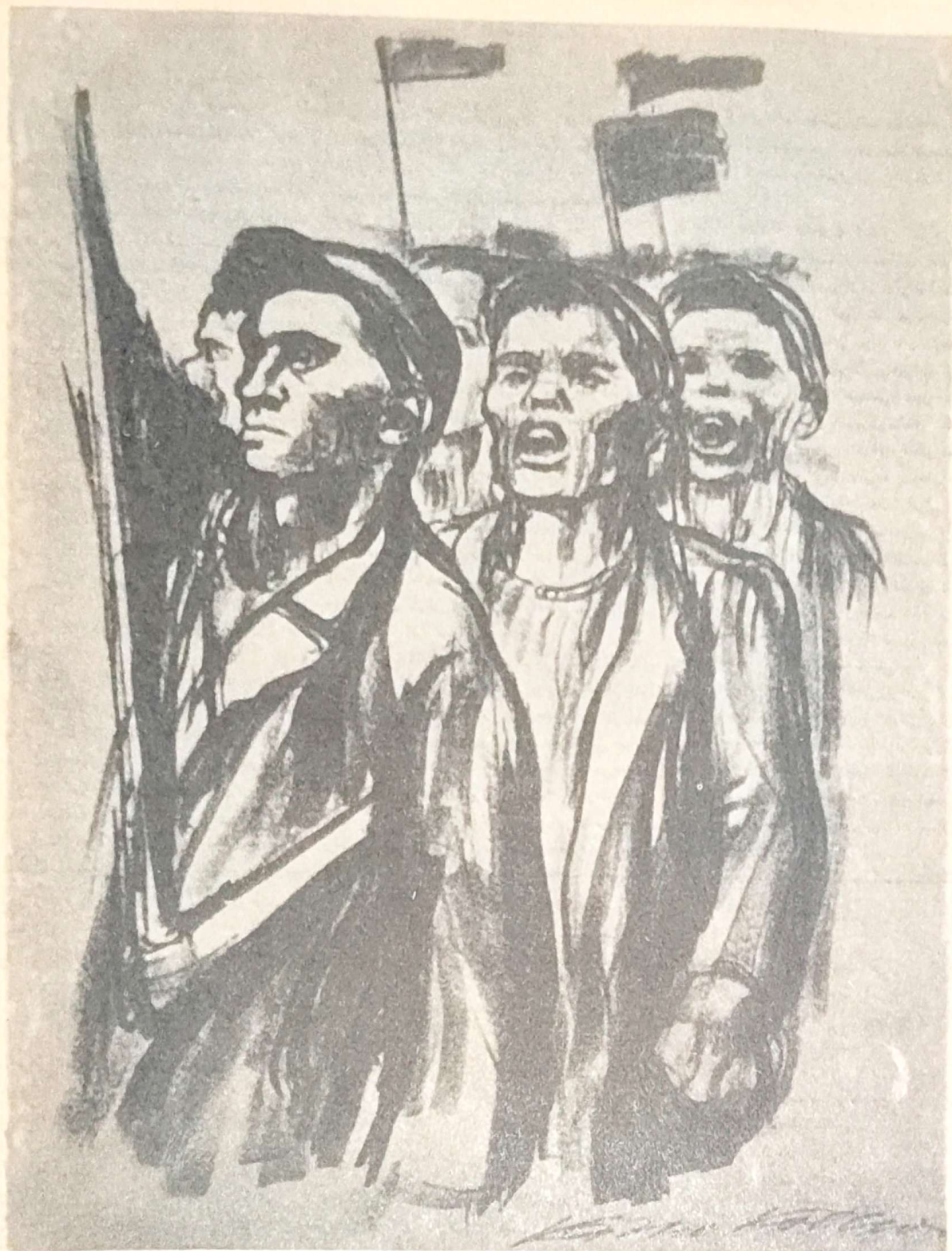
بعد از کودتای سیاه ۲۶ مرداد که بار دیگر زنجیرهای
اسارت و وابستگی خلق زحمتکش ما را به بند کشید ، مبارزات
کارگران با موانع و محدودیت های جدی روبرو گشت . استعمار
لگام گسیخته محمدرضاهانی چنان عرصه را بر زحمتکشان
میپوشانید که آنها نتوانستند در روز ۱۱ اردیبهشت
همسنگی و اتحاد خود را با کارگران جهان در خیابانها و
میدان به نمایش بگذارند . هجوم پلیس ضد خلقی شاه به
اجتماعات کارگری و خفقان بی سابقه ای که بر جامعه حاکم گشته
بود کارگران را به بشویمهای نوینی از مبارزه سوق داد . آنها
هرگز اول ماه مه را فراموش نکردند و علیرغم محدودیت های
بیشمار و علیرغم زندان و شکنجه و تیرباران ، کارگران زسر
پوشش غریبی با مهمانی و مراسمی از این قبیل ، جشن خود
را برگزار میکردند و بدینوسیله همسنگی و اتحاد ناگسستی
خود را با پرولناریای جهانی در اطافهای محقر خانه های
کارگری خویش ابراز میداشتند .

شاه امپریالیست که کوچکترین حرکتی از سوی زحمتکشان
را تحمل نمیکرد ابتدا حاضر نبود این روز را برسمیت بشناسد
ولی بخاطر فشار زحمتکشان این روز فرخنده را تعطیل رسمی
اعلام نمود . اما همدار او این اقدام نه نباید جشن جهانی
را تحمل بلکه درست در جهت تحریف و مسخ آن و نهی ساختن
آن از منظر سیاسی و مبارزاتی اش بود . شاه مزدور میخواست
جشن سیاسی و تجدید مبارزه جوئی کارگران را به جشنی مبتذل
و غیر سیاسی تبدیل سازد . او تلاش نمود تا این جشن عمیقاً "

سیاسی کارگران را به مجالس مراسم نمایش های مبتذل رو
حوضی تبدیل کند و بدین ترتیب جنبه همسنگی جهانی
کارگران را که مهمترین محتوای این روز بزرگ است سکوت
بگذارد .

با انقلاب شکوهمند خلقمان که کارگران مبارز در آن نقش
جستجوگری ایفا نمودند و توانستند با اعتصابهای طغریون خود
دیگاتوروی وابسته ما بربالسم را بزانو در آورند ، فصل جدیدی
در مبارزات کارگری میهن مان گشوده شد . مراسم بزرگه اول
ماه مه سال گذشته که مدت کوتاهی پس از قیام شکوهمند میهن
انجام میگرفت و هنوز طبعی و جوش روزهای قیام را در خود
منحلی می نمود ، ابعاد نازهای از همسنگی و مبارزه جوئی طبقه
کارگر ایران را عرضه نمود . امروز بزرگ آن اشکارا نشان
دادند که چه نیروی عظیمی را در خود متبلور نموده اند و
بایستی این نیرو را در مسیر رهائی خود و خلق خود بکار
گیرند . در یکسالگی که گذشت ارجاع حاکم از سرکوب مبارزات
انقلابی کارگران لحظاتی دست نکشیده است حتی وقاحت را
به جانی رسانید که اول ماه مه را از تعطیلات رسمی کارگری
حذف نمود ، کاریکه شاه جلا با تمام رخالت و حنایت پشیمانی
خویش هرگز نتوانست در برابر آن مقاومت کند . اما مبارزات
کارگران علیه سرمایه داری وابسته که هر روز وسیعتر میشود
حکومت جدید را نیروا دار به عقب نشینی نمود . آنها مجبور
شدند برفضا مبارزات کارگران و آگاهی روز افزون آنها حرف
خود را پس بگیرند و اول ماه مه را رسماً تعطیل کارگری اعلام
نمایند . اینک طبقه کارگر ایران خود را برای برگزاری دوسم
جشن بعد از قیام آماده میکند و می رود تا تحارب گرانقدریک
سال مبارزه بی امان خود را در وحدت بازوان نمونند و دل
های پر تپش و طغریای آگاه به نمایش نهد . به پیشوار این روز
بر ارج ستابیم و مقدس را گرامی داریم .

ما جملگی فریاد می زدیم .	در دستهای خود بفتارید .	نظمی برای رونق سرمایه ست .	خیل متحدان را
گفتید نظم ؟	با هم کنار سفره نشینید .	نظم شما فریاد می زند	همگام می کنیم
نظمی برای آمریکا ؟	با همدگر برادروار	" کارخانه دارد پس سود می برد ،	و ریشه های کهنه ی ثان را ،
نظمی برای رونق سرمایه های وابسته ؟	این چرخ را بگردانید .	بر کار میکتی ، پس چه چیزی ؟	از بیخ می کنیم . . .
آهیم ، در سایه تفنگ ارتشی اسلامی ؟	بی وقفه کار نمائید .	ای غاصبان حاکمیت مردود !	• • •
آنگاه حاکمان ،	و حرفهای مهمل مارکسیست های ملعون را	دیگر خیانتان ، بی رنگ گشتا ست	امسال هم گذشت
از خشم و کین بخود پیچیدید	- که دمدم اخلال می کنند .	اینک بگر آموختیم ما	امسال هم ،
و	اصلاً " بگوش نگیرید .	در پرتو مبارزه ی خود ،	در پرتو تفنگو توطئه و سازش ،
بر روی ما تفنگ کشیدند .	متضعان شرافتمند !	این چیز ساده را .	بسی نام انقلاب -
در اصفهان بجاگ افتادیم	اموال غیر را خوردن ،	ما مالکیم ، چون کار میکنیم	بر کارخانه دار ،
در شهرهای دیگر ،	مشروع نیست .	از سالیان سال به اینسو ،	جوش رفت روزگار .
با شکل های دیگر	باور کنید برادرها !	ما کار کرده ایم ،	امسال اگر چه چنین بود .
یورش به ما فروز کردید .	اموال غیر را خوردن ،	تولید کرده ایم ،	اما نه مثل همیشه بزرگ بود
تا عاقبت در کارخانه ی " چوگا "	مشروع نیست ، حرام است . "	چیزی نخورده ایم ،	در پرتو مبارزه ی سال
مارا ، با توپ های آمریکائی	گفتیم ما ،	چیزی نبرده ایم ،	بیدار گشتا ایم
در حلقه ی محاصره بردند .	دوباره ،	تا دشمنان خود را	ما بی گمان ،
و بار هم مثل گذشته ها ،	سه باره :	در چهره های مختلف اما بیک زبان	ای خواب رفته گان !
رفتند و نطق های پرهیجان کردند :	ای غاصبان حاکمیت مردم !	پیدا نموده ایم ،	یک نظم تازه را ،
" متضعان مبارز !	سرمایه دار سیر ،	ما با سلاح آگاهی	بنیاد می نهیم .
این مارکسیستها ،	هرگز برادر ما نیست .	تجهیز گشته ایم .	ما پیش می رویم و در این راه
این نوکران اجنبی و دشمنان دین ،	از صبح تا غروب	چیزی که مرگ شما را	تاریخ را معزم و اراده
تحریک می کنند شما را .	ما کار می کنیم ،	تسریع می کند .	با خویش میبریم
از تفرقه جد حاصل ؟	او سود می برد !	ما در تمام گوجه و برزن ،	ما ،
امروز ، روز وحدت امت رسیده است .	این نظم ، نظم ما نیست .	در کارخانه ها و مزارع	پیش می رویم .
دستهای کارفرمایان را	نظمی جسمی است .	در هر گجا که رنجبری جا گرفته است ،	



اول ماه مه، روز همبستگی
جهانی کارگران گرامی باد!

”راه کارگر“